

## بررسی نقش طبقه نوکیسه در تغییر سبک زندگی اجتماعی

# اقتصاد رانتی، بستر ظهور نوکیسان



تحلیل محمدحسن صادق‌پور

شاید جمله «دیه‌اش را بابام می‌دهد» در هفته‌ای که گذشت، و حشتناک‌ترین جمله‌ای بود که می‌شد شنید. جمله‌ای که یک دختر (آقای‌زاده) پس از تصادف حین تفریح لوکس سواری و قتل یک انسان به راحتی بر زبان می‌آورد و تمام بار مسئولیت را از دوش خود خارج می‌سازد. به راستی این آدم‌های عجیب و غریب از کجا وارد جامعه ما شده‌اند و چه اثراتی بر فرهنگ ما می‌گذارند؟

انقلاب صنعتی قرن هجدهم اروپا شرایطی را فراهم ساخت که ساختار نیمه جان فیودالیسم جامعه غربی به سرعت به سمت دگرذیبی رود و توسعه صنعتی شهرها منجر به ایجاد نهادهای جدید اجتماعی و نیز نقش آفرینی یا کم‌رنگ شدن نقش برخی طبقات اجتماعی گردد. از جمله در چنین شرایطی طبقه «بورژوازی صنعتی» به مفهوم «طبقه متوسط جامعه سرمایه‌داری» به جای سرمایه‌داران سنتی (اشراقی) نقش پررنگی پیدا کردند. عمده افراد طبقه بورژوارا گروه‌هایی شامل می‌شدند که از فرصت ایجاد شده در تحولات اجتماعی و اقتصادی بیشترین بهره را برده و خود را از طبقه کارگر و فرودست جامعه به طبقه مرفه پیوند زده بودند.

در ایران نیز تحولات اجتماعی و سیاسی پس از مشروطه نقش نظام ارباب و رعیتی را رفته‌رفته به طبقه تازه‌ای داد که در سترترین تحولات و تحت تأثیر فرهنگ غربی کم‌کم شکل گرفت. عین‌السلطنه در کتاب خاطرات خود درباره ظهور چنین طبقه‌ای می‌نویسد:

«این تاجر تازه به دوران رسیده و مقاطعه کارها تمام باغات دور او را در تخریش خریده عمارت‌ها چند طبقه عالی بنا نموده‌اند. روزگار به این نحو بگذرد تمام این بیلاقات ملک آنها خواهد شد... این قبیل تاجر تازه چرخ زیاد شده و بورژوازی بدون تعمم ملک می‌خرند، عمارت دور او را در تاهان باز کنی فلان باغ، خانه، ملک و دکان فروشی است مثل ریگ پول می‌دهند... سابقاً تاجر خیلی ساده زندگانی می‌کردند، حالا هر قدر بخوایند مجلل. تاجر قدیم که داخل نشدند و مال خود را خراب و حال نکرده همان سرمایه سابق را دارند. تا کسی داخل کار نباشد حقه‌ها و شیطنت‌های آنها را نخواهد دانست. در هر کافه آن که زیاد پول خرج می‌کند، یا خانم‌ها ور می‌رود حتماً با مقاطعه کار است، یا سر تاجر تازه به دوران رسیده، یا بد اداری...»

همانطور که عین‌السلطنه در خاطرات خود می‌نویسد، بسیاری از تاجر و سرمایه‌داران سنتی ایران، مقید به اصول و منشی خاص بوده‌اند و ثروت برای آنان همه چیز به شمار نمی‌رفته است. همین قشر بعداً در قالب خرده بورژوازی (طبقه متوسط سنتی) به رغم حفظ مال و ثروت، به گرایش مذهبی خود پایبند ماندند و حتی در بسیاری از جنبش‌های سیاسی و اجتماعی همچون نهضت تنباکو، جنبش مشروطه و جنبش انقلاب اسلامی، با حمایت خود از علما و روحانیون به عنوان پایگاهی اجتماعی و انقلابی شناخته شدند.

اما قشر جدیدی که عین‌السلطنه از آنان با عنوان «تجار تازه چرخ» یاد می‌کند، قشری است فاقد اصالت و ریشه که تقلید زیادی همچون سرمایه‌داران سنتی و اصیل بر حسن و صواب رفتار خود نداشته و تنها در پی مطرح کردن و اثبات خود به هر طریق ممکن است. اقتضای با سرمایه‌بالاتر اقتصادی در کشور مادر تاریخ معاصر عمدتاً از دو گروه سنتی (بازار) و مدرن (تعمیلگر دگان صاحب مشاغل جدید مثل پزشکان) ریشه می‌گرفت. هر یک از این دو دارای برخی از اصالت‌ها بودند یا بدان پایبند می‌شدند؛ گروه اول عموماً به شدت پایبند نوعی اخلاق دینی و ارزش‌های سنتی بودند و گروه دوم از یک اخلاق و ضوابط فرهنگی - که آن را از غرب و رفتار خاص طبقه اشراف در آن اقلیم آموخته بودند - تبعیت می‌کردند. گرچه ارزش‌های این دو قشر متفاوت بود و اصالت‌های فرهنگی متمولان سنتی و بازاری با گروه قابل قیاس نبود اما از دسته دوم هم عموماً رفتارهای زننده و سبک قابل انتظار و مورد توقع نبود اما به تدریج، شاهد اپیدمی قشر سومی از سرمایه‌داران شدیم که اساساً به هیچ ارزشی نپسندیده و به صورت خطرناکی همه آداب اجتماعی را به گرایش به

نوعی اوباش مابی و لمپنیسم زیر پا می‌گذارند. در ادبیات علوم اجتماعی چنین اقتضار تازه به دوران رسیده‌ای را که به سرعت بسیار بالای ثروتمند شده‌اند و گاه طول مدت ثروتمند شدنشان حتی به یک نسل هم نمی‌رسد «نوکیسان» می‌نامند. نوکیسان قشری بوده و هستند که با سرعت بسیار بالایی به تمول مالی رسیده‌اند و اغلب این کسب ثروت از طریق مشروع نبوده و به همین دلیل این طبقه شتابزده‌گی و حرص زیادی در ثروت اندوزی بیشتر دارند.

**علل بروز نوکیسیگی**  
به طور کلی جامعه‌شناسان در تحلیل علل بروز پدیده نوکیسیگی و در پاسخ به این سؤال که «نوکیسان از کجا به‌وجود می‌آیند» چند دلیل عمده بر می‌شمرند: ۱- فساد و رانت؛ بررسی پدیده نوکیسیگی نشان می‌دهد عمدتاً محل رسیدن ناگهانی این قشر به ثروت مشروع نیست و باز بودن زمینه فساد اقتصادی در جامعه به گروه‌های فرصت‌طلب اجازه می‌دهد از اموال مردم برای خود انسیاب مکتب فراهم نموده و مسیر دهها ساله را یک شبه بپیمایند. اقتصاد رانتی نیز تشدیدکننده این موضوع است و اساساً در مدل اقتصاد نفت محور که در آن فرصت‌های بادآورده جای فرهنگ تلاش برای رسیدن به ثروت را گرفته و دولت رانتیر موجب تزاید فرهنگ تنبلی و سود بی تلاش می‌شود، طبیعتاً این طبقه، زمینه بهتری برای رشد و نمو می‌یابد.

۲- دلایل سیاسی؛ ارتباطات سیاسی، جایگاه نهادهای سیاسی و مدل حکمرانی، از جمله دلایل سیاسی هستند که می‌توانند منجر به بروز قشر نوکیسه در جامعه شوند. همانطور که مشاهده می‌شود گاهی رسیدن یک مسئول به جایگاه سیاسی بالا خارج از طی فرآیند صلاحیت، ناگهان یک خانواده و فامیل را به اسم و رسم رسانده و در عرض چندسال سبک زندگی آنان را به طور کلی تغییر می‌دهد. عدم تعریف صحیح جایگاه‌ها و نهادهای سیاسی در جامعه و ارزش بخشی غیرمتعارف به برخی مناصب سیاسی در عرف اجتماعی نیز از جمله این دلایل سیاسی می‌تواند باشد. همچنین تغییراتی که گاه در مدل حکمرانی اتخاذ می‌شود، می‌تواند عامل تشدید فرآیند شکل‌گیری طبقه نوکیسه باشد. چنانچه

شخصیت متزلزل و بی ثبات فرهنگی در قشر نوکیسه، سبب می‌شود این گروه که از عدم تناسب رفتار طبقه رفاهی و رفتار اجتماعی خود آگاهند و به دنبال «آماده کردن همه اسباب بزرگی برای تکیه بر جای بزرگان» هستند، به شدت به دنبال الگوی جدیدی از سبک زندگی باشند که هر چه بیشتر آنان را از شخصیت قبلی دور نماید. از آنجا که چنین الگویی در طبقه سرمایه‌دار سنتی وجود ندارد و این قشر به دلیل تطبیق نپاینده شده میان شخصیت و طبقه اجتماعی، و سواست در خودنمایی و نمایش رفاخ خود ندارد، لکن الگوهای غربی به عنوان منابع اصلی در تغییر سبک زندگی نوکیسان، نقش اساسی ایفا می‌کند. تمدن غرب نیز به عنوان محیطی که خرده بورژوازی شهری از دل

پدیده‌ای که این روزها شاهدش هستیم «سلب‌ریت‌های نوکیسه» جای خود را در کنار چهره‌های فرهنگی و سیاسی به سدد شبکه‌های اجتماعی باز کرده‌اند و مردمان زیادی را از طرق همین ابزارها مفتون خود ساخته‌اند

خروج کشور پس از دوران جنگ از یک نظام کنترل شدید اقتصادی به مدلی از سرمایه‌داری افسارگسیخته در دولت‌سازندگی، ظهور این قشر را تسهیل و تشدید نمود. ۳- نوسانات اقتصادی؛ وجود نوسانات اقتصادی در یک اقتصاد ضعیف از بزرگ‌ترین زمینه‌های شکل‌گیری ناگهانی قیمت‌ها در حالی برخی سوءاستفاده‌گران را به موج سواری و مال اندوزی مبتنی بر روابط دلال گونه و سفته بازی سوق می‌دهد که سرمایه حقیقی و ثروت‌زایی ناشی از فعالیت‌های تولیدی و کار آفرینی (رانت شومپیتری) عملاً به حاشیه می‌روند. در همین نوسانات اخیر اقتصادی افراد زیادی از هیچ به سر ماه‌های میلیاردی رسیدند و اکنون به عنوان شاخص و نماد طبقه نوکیسه با ثروت به یغمارفته‌از چیب مستضعفان جوان می‌دهند.

**تبعات فرهنگی جولان قشر نوکیسه**  
بورژوازی او به طور خاص نوکیسیگی ا نماد آزمندی و پستی طبع شمرده می‌شود که جز پول‌پرستی انگیزه‌های نمی‌شناسند و از نظر اهل فرهنگ و هنر، طبقه‌ای است که همه چیز، از جمله فرهنگ را به شیء و کالا تبدیل می‌کند. ظهور و بروز قشر نوکیسه در جامعه‌ای مانند ایران، تبعاتی نه فقط در بعد اقتصادی که از حیث فرهنگی به دنبال داشته و دارد. به طور کلی وقتی فرد از طبقه‌ای، بر اثر تحولات ناگهانی اقتصادی یا دلایل دیگر از لحاظ مالی به توانگری برسد، اما ظرفیت درونی خود را آماده پذیرش تبعات آن نکرده باشد، از نظر فرهنگی دچار همان رفتارهای کم‌مایه و ذلیلانه قبل از رسیدن به دوران مکتب و ثروت اما در لباسی جدید و با ابزارهای قدرتمندتر از گذشته می‌شود.

رفتار ناهنجاری همچون «تفاخر» ریشه در همین ضعف و عدم رشد شخصیتی طبقه نوکیسه است. کما اینکه امام صادق (ع) در روایتی می‌فرماید: «مأمن رَجُل تَكْبَرُ أَوْ تَجَبَّرُ إِلَّا لِذَلَّةٍ وَجَدَهَا فِي نَفْسِهِ» هیچ کس تکبر و فخر فروشی نمی‌کند، مگر به خاطر ذلتی که در نفس خود می‌یابد.

شخصیت متزلزل و بی ثبات فرهنگی در قشر نوکیسه، سبب می‌شود این گروه که از عدم تناسب رفتار طبقه رفاهی و رفتار اجتماعی خود آگاهند و به دنبال «آماده کردن همه اسباب بزرگی برای تکیه بر جای بزرگان» هستند، به شدت به دنبال الگوی جدیدی از سبک زندگی باشند که هر چه بیشتر آنان را از شخصیت قبلی دور نماید. از آنجا که چنین الگویی در طبقه سرمایه‌دار سنتی وجود ندارد و این قشر به دلیل تطبیق نپاینده شده میان شخصیت و طبقه اجتماعی، و سواست در خودنمایی و نمایش رفاخ خود ندارد، لکن الگوهای غربی به عنوان منابع اصلی در تغییر سبک زندگی نوکیسان، نقش اساسی ایفا می‌کند. تمدن غرب نیز به عنوان محیطی که خرده بورژوازی شهری از دل

پدید می‌آید این روزها شاهدش هستیم «سلب‌ریت‌های نوکیسه» جای خود را در کنار چهره‌های فرهنگی و سیاسی به مدد شبکه‌های اجتماعی باز کرده‌اند و مردمان زیادی را از طرق همین ابزارها مفتون خود می‌سازند. در این حالت ضرب‌انزگاری مخرب فرهنگ نوکیسیگی و تبعات آن با سرعت بیشتر جامعه را در برمی‌گیرد و این قشر را به هدایتگران اجتماعی تبدیل می‌کند. ظهور پدیده قشر نوکیسه در ایران بیش از آن که تبعات اقتصادی نظیر رانت و فساد به همراه داشته باشد، از جنبه فرهنگی آفتاب مخربی در سطح جامعه به جای می‌گذارد و با توجه به این گزاره، به منظور تحقق الگوی زندگی سعادت‌محور، از مقابله با «زی نوکیسیگی» گریزی نیست.

## صراط

### اصلاحات ساختاری عامل حذف تسلط نوکیسه‌ها

است. میدان‌های اصلاحات کجاست؟ آن بحث دیگری است. اصل اصلاحات یک کار لازم است و باید انجام گیرد. وقتی اصلاحات نشود، برخی از نتایجی که ما امروز با آنها دست به گریبانیم، پیش می‌آید: توزیع ثروت ناعادلانه می‌شود و نوکیسه‌های بی‌رحم بر گوشه و کنار نظام اقتصادی جامعه مسلط می‌شوند.



بنده معتقدم که اصلاحات، یک حقیقت ضروری و لازم است و باید در کشور ما انجام گیرد. اصلاحات در کشور ما از سر اضطرار نیست که فلان حاکمی مجبور شود مورد مطالبات سخت قرار گیرد و گوشه و کناری را اصلاح کند؛ خیر، اصلاحات جزو ذات هویت انقلابی و دینی نظام ماست. اگر اصلاح به صورت نو به نوانجام نگیرد، نظام فاسد خواهد شد و به بیراهه خواهد رفت. اصلاحات یک فریضه

بر گوشه و کنار نظام اقتصادی جامعه مسلط می‌شوند.  
بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۷۹/۴/۱۹

## درنگ

### نجف لکزایی تبیین کرد دلالت‌های قرآنی بیانیه گام دوم

عادل در تمامی این محورها مدنظر است.»  
لکزایی اضافه کرد: «قانون باید به نحوی باشد که وقتی می‌خواهند کسی در منصبی قرار بگیرد قراردادش فرسد بی‌صلاحیت در این سمت ممکن نباشد؛ مثلاً گاهی شرایطی که برای معمل ابتدایی می‌گذاریم از انتخاب وزیر هم سختگیرانه‌تر است و می‌توانیم وزارت‌ری را در دست یک وزیر قرار دهیم که در آن تخصص ندارد.»  
وی با اشاره به محور آزادیخواهی در بیانیه به عنوان یک محور دیگر گفت: «محور ششم نیز تنظیم روابط با کشورهای اسلامی و غیر آن است که آیات حوزه قتال و جهاد و سیاست خارجی در این بخش یعنی حدود ۶۰۰ آیه‌قابل توجه‌است. قرآن مسلمان را از رابطه با کفاری که به خاطر دین با شما می‌جنگند، نهی فرموده است، ولی کفاری که دشمنی ندارند مورد نهی نیستند.»  
وی با اشاره به محور سبک زندگی تصریح



کرد: «از دید ما قرآن نقشه زندگی است، زیرا شاخص‌های حیات طیبه در این کتاب ذکر شده است. لذا دفتر تبلیغات دانشنامه سبک زندگی را در این راستا شروع کرده است.»  
لکزایی گفت: «فرصتی مقام معظم رهبری در اختیار مسا قرار داده‌اند تا از قرآن این خلأها را شناسایی کنیم و توصیه راهبردی ارائه دهیم تا روزه به جامعه پردازد، خودسازای و تمدن‌سازی اسلامی نزدیک‌تر شویم.»  
علما اسلام سحر خوان، از اعضای هیئت حجتی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی هم در این نشست در سخنانی گفت: «یکی از مسائل مهم بیانیه، تقابل اسلام و استکبار است. امروز استکبار سیاست‌های تبلیغی، فرهنگی و روانی دارد و از تهدید، تهمت، تطمیع و ... استفاده می‌کند و ما همه این مسائل را در مقاله‌ای از قرآن استنباط کرده‌ایم.»

وی با تأکید بر ترویج روحیه خودباوری و اعتماد به نفس اظهار کرد: «ما عمدتاً در برابر دشمن روحیه انفعال داریم، ولی قرآن دستور مقابله با دشمنان را داده است. خدا فرموده است اگر مقاومت کنید وعده نصرت الهی حق است و پیروز خواهید شد.»  
سحر خوان با بیان اینکه تحقیر استکبار از راه‌های قرآن برای مقابله با آنان است، افزود: «یکی دیگر از راهبردها، وحدت داخلی و حمایت از گروه‌های مقاومت است. همچنین باید فرهنگ انقلاب را به دیگران معرفی کنیم.»  
این محقق اظهار کرد: «همایش بیانیه گام دوم انقلاب و بحث تمدن‌سازی از سوی دفتر تبلیغات اسلامی برگزار خواهد شد.»

رئیس پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی در نشست تبیین دلالت‌های قرآنی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، به تبیین هفت توصیه رهبر معظم انقلاب اسلامی در بیانیه گام دوم پرداخت.

به گزارش «جوان» حجت‌الاسلام نجف لکزایی، رئیس پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی دوم خردادماه در نشست تبیین دلالت‌های قرآنی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی که در نمازگاه ستادوردهای قرآنی دفتر تبلیغات اسلامی در قم برگزار شد، با بیان اینکه مقام معظم رهبری در گام دوم هفت توصیه بیان فرموده است، گفت: «اعتقاد ایشان این است که اگر این هفت گام به درستی برداشته شود زمینه برای ظهور خورشید ولایت امام زمان فراهم خواهد شد.»  
وی افزود: «اولین توصیه، توصیه به علم بوده است. نزول قرآن با بحث اقرار شروع شده و آیات متعدد در مورد علم آموزی بیان و تعلیم کتاب و حکمت، فلسفه‌بعثت انبیا بر شمرده شده است.»

رئیس پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی گفت: «توصیه دوم ایشان اخلاق و معنویت است و میان این دو تمایز ظریفی قابل شده‌اند که این دو هم جزء فلسفه از سال رسل است. توصیه سوم ایشان تأکید بر اقتصاد مقاومتی است. اقتصاد از اصلاخ تمدن نوین اسلامی است که سه بخش دارد: مصرف، توزیع و تولید و جامعه‌ای که به سمت تمدن می‌خواهد برود باید حتماً تولید داشته باشد.»

این محقق و پژوهشگر با بیان اینکه تولید ثروت، تولید علم و دانش و قدرت، لازمه هر تمدنی است، تصریح کرد: «قرآن در هر سه عرصه ما را دعوت به تولید کرده است. آیه «وَأَعْوَابُهُمْ مَّا اسْتَحَبَّتْ مِنْ قَبْوَةٍ وَمِنْ تَحْتِ الْخَيْلِ تَرْهَبُونَ وَعَدُوُّ اللَّهِ وَعَدُوُّكُمْ وَأَخْرَبَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَقْلُوبُهُمْ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَوْفُ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تظَلُمُونَ» (انفال/ ۶۰) را به تولید نظامی و «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» برعدم سلطه سیاسی و اقتصادی تأکید دارد.»

لکزایی با بیان اینکه عدالت و مبارزه با فساد محور دیگر این بیانیه است، افزود: «همان معظم رهبری بر این محور تأکید زیادی دارند و فلسفه‌بعثت انبیا هم هست؛ ما چهار حوزه روحان و یک حوزه زیربنای برای عدالت می‌توانیم ترسیم کنیم.»  
این استاد علوم سیاسی با بیان اینکه نظام عادلانه، نظام مشروع است، ادامه داد: «نظام اسلامی مبتنی بر ولایت فقیه است، بنابراین مشروع است، ولی در محورهای دیگر عدالت، مانند عدالت در ساختارها با مشکل روبه‌رو هستیم؛ زیرا تا ساختاری عادلانه نباشد افراد عادل هم نمی‌توانند عادلانه رفتار کنند، درست مانند حق و تو که ساختاری ظالمانه در میان ما ملان است. قرآن دیگر عدالت در ساختار قوانین است؛ در بسیاری موارد می‌بینیم که مجری قانون هم می‌گوید این قانون عادلانه نیست.»

رئیس پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی افزود: «عرصه دیگر عدالت در کارگزاران و عدالت در رفتارهاست. معمولاً در افکار عمومی ما دیدگاه سبیطی در باره عدالت هست، مثلاً اگر کسی با دوچرخه سر کار برود عادل شمرده می‌شود، به همین دلیل در مباحث پیچیده مانند عدالت در ساختارها مانند قانون انتخابات نمی‌توانند آن را فهم کنند در حالی که در قرآن،